

مریم آفاجانی

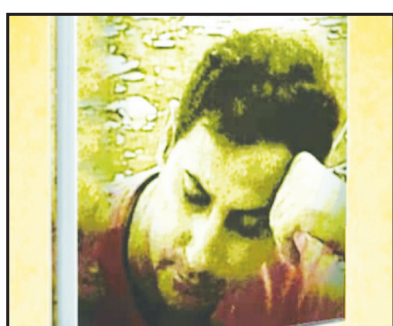
آهسته و خسته به زیر سایه اندوه  
مثل گل پژمرده، خشکیده وزردم  
قحطی احساسست ومن دنبال آرامش  
فرسنگها پیموه ام دم برنیاوردم

اینجا زمین، من ساکن سیاره دردم  
در یک فراز و یک فرود ساکت و سردم  
من زخمی یک وسوسه از خوردن سیبم  
از ایل واز دنیای خود غمگین ودلسردم  
خاموشم ودر التهاب یک شب عربان  
بر روزگار تلخ وشیرین سیر می خندم



اشرف السادات کمانی

او که افتاد زمین قلب من از غصه شکست  
عشق او آمد و دل شد به تمنّا هم دست  
دیدم او را و فکندم تن خود را بر خاک  
به زمین بوسه زدم در قدم شاعر مست  
نقش افتادن و افتادگی و درد وجود  
در تنش ریشه زد و تا بن جان رفت و نشست  
آتشی در من سرگشته برافروخت غمش  
بانگی از جمع بر آمد ، چه هیاهویی هست  
از جوانی به وجودش سر ناسازی داشت  
درد آمد در شادی و امیدش را بست  
روزی آید به جهان، خوش خبر و مژده رسان  
که در آن روز نباشد غمی از درد و شکست



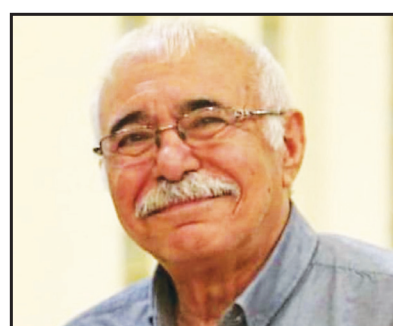
مجید کرمی

به دریا دل زدن هایم سر آغازی دگر دارد  
نگاهت در خیال من هوای بال و پر دارد  
سکوتم خیره بر ابر و نگاهم منتظر بر شب  
نه ایمانی به باران و نه امیدی به در دارد  
نمی دایم چرا هر دم ز چشمانم گریزانی  
به غیر از تو نگاه من به هر سنگی اثر دارد  
تو را دیدن برای من همیشه اتفاقی بود!  
نسیم عطر موهایت هوای رهگذر دارد  
من از عمق نگاه تو همیشه باخبر هستم  
خبر دارم که چشمانت چه فکری زیر سر دارد  
نوازشهای دستت را دگر باور نخواهم کرد  
بگیر از من خیالت را که آن هم دردسر دارد  
دوباره سال نو آمد ، تو هم شعر مرا نو کن  
پرستو هم که می آید به هر جا همسفر دارد!



علی الوندی

دارد مرا قد می کشد حس رسیدن  
باید که باتوسیپ را از شاخه چیدن  
عمری از این شاخه به آن شاخه پریدم  
جایی نمی بینم برای آرمیدن  
من میوه کالم به پرچین نگاهت  
طاقت ندارم تا به هنگام رسیدن  
وقتی که گنجشک دلم رادانه دادی  
دردام توفاتادوجاماندازپریدن  
در من صدای کودک احساس می گفت  
باید که بی تواز همه دنیا پریدن  
صیادازهرم نگاهت عشق را دید  
وقتی ندانست آهوی چشمت رمیدن



محمد علی بهمنی

شبانه های مرا می شود سحر باشی  
و می شود که از این هم تو خوبتر باشی  
تداوم من و دریا و آسمان با تو  
همیشگی است اگر هم تو رهگذر باشی  
نیازمند توام مثل زخم لب بسته  
خوشتر آنکه تو گهگاه نیشتر باشی  
غروب و سوختن ابر و من تماشایی است  
ولی مباد تو اینگونه شعله ور باشی  
ببین چه دلخوشی ساده ای همینم بس  
که یاد من — به هر اندازه مختصر باشی  
نگاه می کنی و من ز شوق می میرم  
همیشه بهر من ای چشم خوش خبر باشی  
من عاشق خطری باتوام ، خوشا آن روز  
که بی دریغ تو هم عاشق خطر باشی



ایمان زارع

عابر کوره راه زندگیم ، شاعر لحظه های نورانی  
از بد حادثه که رد بشوم ، می نشینم به شعر درمانی  
زمهریرم به خشم نیزه ای باد خون جهانیده بر سپیدی برف  
باغم اما به طعنه می گوید بید ما را به این نلرزانی  
بدم و خوب و خوب و بد باهم شادم و بی تفاوت و غمگین  
ای نگاهت دریچه ی الهام تا چگونه مرا برقصانی  
خانه از عطر صبح می سازم کوچه را با شمیم باد پسین  
زخمه ای می زنم به ساز دلم سر و دستی مگر بجنابانی  
کم و بیشی اگر که هست تویی ، نوش و نیشی اگر که هست تویی  
به نگاه تو زنده ام ای شعر چشم از شاعرت نگردانی



محمود خاتمی (خاتم)

گویا خدا تعقیب کرده رد پایم را  
من خسته از دنیا و او دارد هوایم را  
هر چند گاهی ناسپاس و میبشود غافل  
او بهترین عشقی که میبشود خطایم را  
از دور باطل که کلافه میبشوم گاهی  
حتی نمی جویم قدم های خدایم را  
شب های بی مهتاب می آیم به خلوتگه  
تا آشنایی نشنود سوز صدایم را  
دائم تلاوت میکنم آیات ایباتم  
آهسته میخوانم دعای ربانیم را  
شب ها به عشقش مینوازم با سه تارم که  
او بشنود سمفونسی این نغمه هایم را  
وقتی به پیشش هستم و غرق تماشایش  
حس میکنم تعبیر کرده خواب هایم را  
در زیر بارانی که عطرش آسمانی ست  
خوشحال و خندانم که او دارد هوایم را



ابراهیم براهیمی

تو نباشی همه ی شهر پکر خواهد شد  
فکر رقص از سر فواره به در خواهد شد  
مثل تهران پس از آن حادثه ی سبز بهار  
سهم شب های دلم خون جگر خواهد شد  
ساحل گونه ی من پر شده از مروارید  
چشم باران زده دریای خزر خواهد شد  
گذر هر که به کوی تو بیفتد ، حتما  
یک شبه طفل دلش مرد خطر خواهد شد  
"بی تو مهتاب شبی" را همگان می دانند  
با تو احساس غزل جور دگر خواهد شد  
کاش بودی و... و لش کن چه بگویم بی تو  
زندگی بعد تو ای کاش و اگر خواهد شد  
غزل خسته ی حافظ نظرت هست که گفت:  
عاقبت تلخی ایام به سر خواهد شد  
اگر این بیت به بوسیدن لبها برسد  
با تو هر ثانیه ام طعم شکر خواهد شد



حبیبه براز جانی

آن زل زدنت کشته مرا صولت چشمت  
تا پلک زنی دل برهد فرصت چشمت  
حالا که دلم رفته به بازار نگاهت  
او گشته اسیر تو از آن عفت چشمت  
هیبهات خدایا به چه روزی که فتادم  
شمشیر نگاهت که همان سرعت چشمت  
آن دفتر قلبت که برایم بگشودی  
زیبا و چنان مهر دهد سیرت چشمت  
در حسرت تو مانده دلم بار خدایا  
چون در سفری منتظر غیبت چشمت  
من سجده روم باز به درگاه تو جانا  
آنجا که فقط یاد کنم خلوت چشمت  
در مرتبه ات هیچ ندارم شک و تردید  
صد بار بیان کرده دلم رفعت چشمت



منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به  
دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل  
ارسال نمایید.  
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد  
است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.  
toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: اشرف السادات کمانی

آگهی

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ۲ فرعی از ۱۹ اصلی قطعه ۴ پخش ۷ فارس شهرستان کازرون

چون آقای قاسم جهان میهن برابر سند و کالتنامه شماره ۱۰۷۱۲۲-۱۳۹۴/۰۹/۲۴ دفترخانه اسناد رسمی ۱۱۶ کازرون بو کالت از آقای مراد دلپسند فرزند خدارحم با تسلیم دو برگ استهادیه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۶۲ کازرون تنظیم گردیده است که تعداد یک جلد سند مالکیت مربوط به ۳۹۰/۸۸ سهم مشاع از ۱۲۸۰۰ سهم سهام شش دانگ پلاک ۲ فرعی از ۱۹ اصلی واقع در قطعه ۴ پخش ۷ فارس کازرون بنام آقای مراد دلپسند ثبت و سند مالکیت بشماره چابی ۴۸۲۷۴۴ ب ۱۳۹۳ صادر گردید که سند مالکیت به علت سهل انگاری مفقود گردیده است لذا نامبرده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده مراتب طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت آگهی می شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسیده و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹  
م ۱۶۵ ۳۸۹۷۶

رضا رجبی زاده - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کازرون

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای ۲۹۳۸/۳۴۰۰۳۱۱۰۳۴۰۱۶ مورخه ۱۴۰۱/۰۵/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای عباس طالعی فرزند فرج اله بشماره شناسنامه ۱۸۰ و ملی ۲۵۲۹۶۴۵۵۶۶ صادره از استهبان در اعیانی شش دانگ یک باب مغازه بمساحت ۴۱/۶۵ مترمربع در یک قطعه زمین وقفی پلاک فرعی ۱ از ۲۰۰۶ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۰۰۶ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی اداره اوقاف محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.  
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹  
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴

۳۳۱۹ م الف ۳۸۹۷۳/۱۹۶۶۴۰۸

مصطفی علیخانی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۲